

گوهر شبچراغ فرهنگ و ادب فارسی

محمد محسن*

پروفسور عابدی از عالمان و پژوهندگانی بودند که در پنجاه سال اخیر شهرت جهانی احراز نمودند. همه استادان و دانشجویان نسل پس از ایشان از درگذشت آن استاد بزرگوار بسیار سوگواراند. حتی آن کسانی هم که فقط یک روز در کلاس یا در محضر این بزرگوار برای کسب دانش و معرفت حاضر شدند و بهره‌ها جستند امروز از غم محرومیت وجود ایشان دلشان داغدار است. من سال‌ها از تجربیات عالی و سودمند استاد گرانقدر مستفیض شده‌ام. هرگاه مسأله پیچیده خانوادگی یا علمی حل نشدنی در زندگانی من پیش آمد استاد عالی‌قدر در چشم زدنی با مشورت‌های گرانبها آن را حل نمودند. اکنون درد دل خودم با که بگویم و مسأله‌ها را به پیش که برم؟ از خداوند متعال آرزومندم که روح پاک استاد در بهشت برین در جوار خداوند شادمان و آرام باشد و بازماندگان ایشان در صبر و سکون، حفظ و امان و ترقی و تعالی باشند.

استاد ارجمند بنابر وسعت دانسته‌ها و معلومات کم‌نظیر خود راجع به زبان و ادبیات و فرهنگ هند و ایران از سایر استادان ممتاز و برجسته تفوق داشتند و به دریافت جوایز و نشان‌های متعدد از مراکز علمی و پژوهشی لیاقت و شایستگی خود را در زمینه فرهنگ و ادب فارسی به اثبات رساندند و میراث بس گرانبهای علمی برای نسل آینده باقی گذاشتند که حوادث روزگار به آن هیچ گزندی نخواهد رساند و سرسبزی و شادابی‌اش برقرار خواهد ماند. به قول روانشاد فردوسی افتخار ایران، یا تحریف جزوی: نمیرم از آن پس که من زنده‌ام که تخم ادب را پراکنده‌ام

* رئیس بخش فارسی کالج بانوان دولتی، رامپور.

بدون شک باقیات میراث علمی به صورت کتاب‌ها و مقالات گوناگون اسم این عالی مرتبت را بر صحیفه دل‌های استادان و دانشجویان و ادب دوستان فارسی همواره تابان و متجلی خواهد کرد. استاد از آن کسانی بودند که با آثار فکری و معنوی پیوند گسسته جوامع مختلف را به یکدیگر نزدیک کردند. حدیث عشق را درس دادند و دنیای تازه و جذاب به روی جویندگان فرهنگ و ادب گشودند. شادروان با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و خلق شاهکارهای کم‌نظیر زندگانی شیرین و هستی‌گرانمایه را در حفظ دانش و فرهنگ هند و ایران با نهایت شادمانی بی‌هیچ توقّف نذر کرده‌اند:

گر نثار قدم یار گرامی نکنم جوهر جان به چه کار دگرم باز آید

لمحه لمحه از زندگی ایشان و حرف حرف از گفتگوی ایشان شایسته تقلید است و باور کردنی نیست. من از وقتی که در گردهمایی‌های انجمن استادان فارسی هند و سمینارهای کتابخانه رضا (رامپور) و انستیتوی غالب دهلی شرف ملاقات با وی را داشته‌ام، یادگاری از صمیمیت و ایثار و انکسار و سلوک مشفقانه و فراموش‌ناشدنی و ماندگار وی دارم.

استاد فقید توسط نامه‌های ارزشمندش، این هیچمدان را تعلیم و تربیت می‌نمودند و همواره برای استفاده از نسخه‌های نادر خطی مخزونه کتابخانه رضا تشویق می‌کردند. من گفته و نوشته‌های ایشان را شمع راه حیات ساختم و تا جان در تن باقی‌ست آنها را مشعل راه می‌گردانم. درباره یادآوری این حقیرترین بنده از طرف حضرت ایشان توسط نامه‌ها چه بگویم، چه لذتی بردم، چه حظی یافتم زبان خامه از بیان آن عاجز است همین بس که این زمان آتش محبت از اعماق قلبم زبانه می‌زند و سراپایم را می‌سوزاند اشک از چشم جاری است و فقط این چند کلمات بی‌ربطی را به‌خاطر نمایاندن بزرگواری ایشان می‌نویسم. حالا چون درج نامه‌های استاد را می‌گشایم، نامه‌ها را بر چشم می‌نهم و می‌بوسم. همین که نامه‌ها را باز می‌کنم و می‌خوانم اشک از چشمانم جاری می‌گردد و اشک‌ها نمی‌گذارند که چند کلمات به‌اطمینان قلب بنویسم. نامه‌های استاد به‌زبان اردو است. نامه‌ها را برای آنان که از اردو نابلدانه به فارسی کج و مج ترجمه می‌نمایم تا در اثبات شخصیت و فعالیت‌های استاد کمک گردد.

در نامهٔ اوّل مورّخ ۳۰ اوت سال ۲۰۰۰ م

برادرم السّلام علیکم

محبّت نامهٔ شما را دریافت نمودم. ان شاء الله کتاب مطلوبه را خواهم فرستاد در سعی و تلاش هستم. امر ضروری و قابل تحریر این که پسر شاهجهان مرادبخش را برادر بزرگش عالمگیر بی دردانه به قتل رسانید، نیز اهل و عیالش را ته تیغ کردند. دربارهٔ این فاجعهٔ شاعری فارسی متخلّص به بهشتی یک مثنوی گفته به نام آشوب نامهٔ هند که بعداً در چاپخانهٔ منشی نولکشور چاپ شد، ولی اکنون نایاب است. خواهشمندم شما در همهٔ کتابخانه‌های رامپور جستجو بنمایید اگر موجود بود فتوکپی آن را برایم ارسال نمایید خیلی ممنون خواهم شد. در کتابخانهٔ رضا نسخه‌های خطّی زیر هم موجوداند. از آنها استفاده بکنید.

۱. دیوان ملّا معین هروی ابن حاجی محمّد فراهم مشهور به معین هروی سال

کتابت ۹۰۴ هجری.

۲. دیوان کامران ابن بادشاه بابر شمارهٔ نسخه ۹۶۴ ف.

۳. دیوان همایون اسفراینی سال کتابت ۹۰۲ شمارهٔ نسخه ۷۴۰۹ ف.

۴. دیوان عماد فقیه (خواجه عمادالدین کرمانی متوفی ۷۷۳ هجری شمارهٔ نسخه

۱۷۰۳۶ ف).

دیوان غریب‌نواز خواجه معین‌الدین اجمیری توسط چاپخانه نولکشور چاپ شده است که از خواجه معین‌الدین اجمیری نیست، این از معین مسکین هروی است. همین‌طور در کتابخانهٔ پیرمحمد شاه یک دیوان است که به شاه همایون منسوب است، در اصل از شاه همایون نیست بلکه از همایون اسفراینی است. نوّه ملّا معین هروی قاضی نورالدین، «اخلاق جهانگیری» تألیف نموده است نسخهٔ خطّی آن در موزهٔ ملی دهلی موجود است. بسیار از غزل‌های آن نسخه در دیوان چاپی معین اجمیری هم موجود است. حافظ محمود شیرانی این حقیقت را روشن نموده‌اند. لذا شما همهٔ نسخه‌های مزبور را ببینید، مطالعه نمایید و از میان آن نسخه‌ای پسندیده را انتخاب نموده برای فوق دکترا استفاده کنید.

خداوند متعال به شما صحت و سلامتی عطا کند و شما در خدمت علم و ادب فارسی مشغول مانید.

سید امیر حسن عابدی

نامهٔ دوّم مورّخ ۵ ژانویه ۲۰۰۶ م

برادرم سلام علیکم

سال نو مبارک باشد، رمضان و عید هم که دارد می‌آید بسیار بسیار مبارک باشد به‌غرض حضور در سمینار رضا (رامپور) به ۲۱ ژانویه روز شنبه با قطار کاشی و شونات به‌وقت عصر ساعت شش رامپور خواهم رسید و در یکی از هتل‌های آن شهر اقامت خواهم کرد و به‌تاریخ ۲۵ ژانویه در مهمانخانهٔ کتابخانهٔ رضا نقل مکان می‌کنم، آن روز همهٔ اوقات را در کتابخانه به‌مطالعهٔ کتاب‌ها خواهم گذراند و شب مهمان شما می‌شوم که می‌خواهم با بچه‌های عزیز شما دیدار کنم. به‌تاریخ ۲۶ ژانویه بعد از صبحانه به‌دهلی مراجعت می‌کنم. این‌طور وقت زیاد برای ملاقات تفصیلی با شما به‌دست خواهد آمد. یک نامه برای دکتر وقارالحسن رئیس کتابخانهٔ رضا درین لفاف می‌نهم لطفاً در ادارهٔ کتابخانه به‌دست کسی خواهید فرستاد. زحمت رفتن نمی‌دهم.

دعاهای زیاد برای همسران و بچه‌ها.

سید امیر حسن عابدی

نامهٔ سوّم مورّخ ۱۵ نوامبر ۱۹۹۸ م

۷۱۸۸، بی-۱۰ و سنت کنج، دهلی نو ۱۱۰۰۷

برادرم سلام علیکم

چنانکه با شما اظهار خواهش نموده‌ام که در کتابخانهٔ رضا رامپور یک نسخهٔ مصوّر خطّی دیوان حافظ موجود است که به‌فرمان اکبر تهیّه گردیده بود. شمارهٔ آن ۳۲۷۷ است در آن نسخه ببینید که در آخر آن قطعاتی هست. از آن حسب زیر قطعه نقل نموده ارسال کنید. خیلی ممنون خواهم شد. مقالهٔ من در مرحلهٔ تکمیل است فقط کمبود آن، این قطعه است و آن قطعه به‌این مطلع شروع می‌شود:

دو سه سال آنچه... از شاه و وزیر همه بر بود به یک بار جهان فانی
 از یکم نوامبر تا سه نوامبر گردهمایی انجمن استادان فارسی سراسر هند در
 شانتی نکیتن بنگاله برگزار شده بود اما شما حضور نداشته بودید. ان شاء الله سال آینده در
 چندینگر برگزار خواهد شد. لطفاً در چنین کنفرانس‌ها شرکت بنمایید. ازین‌ها موقع
 ملاقات به دست می‌آید و معلومات هم اضافه می‌شود. وقتی که دهلی بیاید تلفن بزنید
 تا ملاقات کنیم. نمی‌دانم دیگر کی آمدن رامپور نصیب من باشد. از ملاقات با شما
 بسیار شادمان می‌شوم. امروزه مردمان بی‌لوث و صمیمی مانند شما نادرالوجوداند.
 به یکم دسامبر در دانشگاه لکهنو یک سمینار در موضوع شخصیت نولکشور برگزار
 خواهد شد من آنجا به غرض شرکت خواهم رفت. اگر مهلت دست دهد در سمینار
 غالب انستیتوی دهلی که از ۱۱ تا ۱۳ دسامبر برگزار خواهد شد شرکت بنمایید بس
 سودمند خواهد شد.

با دعاهای بی‌شمار برای همسران و بچه‌ها

سید امیر حسن عابدی

نامه چهارم

مورخ ۱۸ مارس سال ۲۰۰۷ م

برادرم سلام علیکم

از مدت طویل نامه‌ای از شما دریافت ننموده‌ام و با شما ملاقاتی میسر نشده است.
 بسیار به یاد می‌آیید. در حال بر غزل‌های طالب آملی مقاله می‌نویسم مطلع‌های زیر
 ارسال می‌نمایم در کتابخانه رضا نسخه‌های متعدد از دیوان طالب آملی هست
 همه غزل‌ها به مطلع‌های زیر را از اول تا آخر نقل نموده با حواله شماره و کیفیت نسخه
 بفرستید. با اطمینان خاطر و دقت این کار را انجام دهید و با عجله کار نکنید.

با گلدسته دعا برای همسر و بچه‌های تان

سید امیر حسین عابدی

نامه پنجم

برادرم سلام علیکم

نامه شما مورخ ۹ فوریه را دریافت نمودم و مبلغی نیز هم. خیلی متشکرم. سخن شما به‌خواجه‌پیری (مرکز نور میکروفیلم) گوشزد کردم... امر دیگر قابل تحریر این است که از من یک مقاله درباره «کامی شیرازی» در مجله علوم اسلامیة علی‌گه از طرف بخش اسلامیات دانشگاه چاپ شده است. پروفیسور شاه عبدالسلام رئیس کتابخانه رضا خواهشمند آن مقاله هستند. من فتوکپی آن را ارسال نموده بودم، ولی تلفن زدند که مقاله هذا دریافت نشد، شاید کسی گم کرده است. اگر ضرورت شدید دارند از رئیس بخش علوم اسلامی دانشگاه علی‌گه که اهل کاکوری (لکهنو) هستند به‌دست بیاورند. اگر من بازحمت بسیار بار دیگر ارسال بنمایم این بار هم نخواهد رسید. به‌شاه عبدالسلام سلام مرا برسانید.

هدیه دعا برای همسر و بچه‌های‌تان.

سید امیر حسن عابدی

نامه ششم

برادرم، سلام علیکم

از دکتر وقارالحسن صدیقی خواهش نموده بودم که برای یک هفته به کتابخانه رضا مرا دعوت کنند ولی هنوز دعوت‌نامه از طرف ایشان نرسیده است، خواهشمندم تا یک هفته در کتابخانه بنشینم و نسخه‌های خطی را بررسی کنم. به‌سبب وجود شما همه آسایش‌ها میسر خواهد شد. مهمانخانه رضا برای مهمانان آرام‌بخش است. اگر وقت دست دهد به‌ایشان دیگر بار یادآوری کنید. روز به‌روز تندرستی من روبه‌زوال است. می‌خواهم تا وقت‌های زیاد در کتابخانه‌ها مطالعه و پژوهش بنمایم و مقاله بنویسم، محتاج تعاون شما هستم. دیوان جعفر زتلی که قبلاً داده بودید به‌دکتر مهدی خواجه‌پیری (میکروفیلم نور) داده‌ام. رشید حسن خان به‌تدوین دیوان جعفر زتلی مشغول هستند.

با دعاها و محبت‌های زیاد

سید امیر حسین عابدی

نامه هفتم

۶ اوت ۲۰۰۹ م

برادرم آقای محسن، سلام علیکم

مدتی طولی سلسله مکاتبات با شما به تعویق مانده است. بیماری من مانع است که سفر طولانی بکنم ولی مشتاق زیارت شما هستم. چند روز قبل «کلیات غالب» مرتبه دکتر تقی عابدی در دو جلد چاپ شده است. برای وقوف از احوال رامپور بسیار سودمند است. علاوه از وی *A Literary History of Persian Literature* از دکتر شریف حسین قاسمی هم به زیور طباعت آراسته شده است، این کتاب‌ها برای کتابخانه دانشکده شما بسیار سودمند است، دلم می‌خواهد افراد مخلص مانند شما را زیارت کنم.

با دعا و محبت‌های بسیار.

سید امیر حسن عابدی

نامه هفتم

مورخ ۹ آوریل ۲۰۰۹ م

۷۱۸۸، بی-۱۰ و سنت کنج، دهلی نو

برادرم سلام علیکم

دو هفته قبل نامه‌ای به شما ارسال کرده بودم ولی با تلفن شما معلوم گشت آن نامه به شما نرسید. در اداره دانشکده خود تفتیش کنید نامه دیگر دارم می‌فرستم لطفاً در کتابخانه رضا و دیگر کتابخانه‌ها غزل‌های زیر از دیوان طالب آملی ملک‌الشعرای جهانگیر را گردآوری بنمایید شماره نسخه و سال کتابت، اسم کاتب و کیفیت مهر را هم رقم سازید.

تندرستی من روزبه‌روز خراب‌تر می‌شود. به همین جهت در سمینار رضا شرکت نکردم. به‌رحال دلم می‌خواهد بیایم و با شما با اطمینان و سکون گفتگو کنم. یاد شما مجبور می‌کند ولی چه کنم، چطور بیایم که تندرستی من قابل سفر نیست. دعاگو هستم که مع اهل و عیال با تندرستی و سلامتی باشید و خدمت علم و ادب را ادامه بدهید.

از شما امیدهای بسیار برای پیشرفت زبان و ادبیات فارسی دارم. برای ترقی فارسی دامی درمی قدمی، سخنی سعی بکنید. شما جوان هستید. فقط.

سید امیر حسن عابدی

*

این‌ها نامه‌های آن بزرگوار بود. جهان گذران است و می‌گذرد ولی رشته‌های محبت حقیقی گسستنی نیست چون آقای جاوید عابدی را می‌بینم فی‌الفور آقای پروفیسور عابدی به یاد می‌آیند. با نامه‌های خود آن استاد بزرگوار مرا عزت افزایی کرده‌اند. من قابل خاک پای استاد بزرگوار هم نیستم تا چه رسد که بگویم من قابل مخاطبات استاد هستم. والسلام.